



مقاله پژوهشی

بهیافت؛ از مشق تا مکتب

محمد رضا امینی^۱، محمدرضا اولیاء^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲- اصطلاح شناس معماری سنتی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

چکیده

در این مقاله "بهیافت" در مرحله اول به عنوان یک فعل معرفی می‌شود که به دلیل دستگاه فکری توحیدی حاکم بر آن با موارد مشابه مانند بازیافت و آپسایکل^۱ تفاوت داشته و به معنای نوعی از کشف استعداد مکتوم نعمت‌ها و کاربست آن‌ها است. "بهیافت" را می‌توان در ترادف با اصطلاحات اصیلی همچون "عمل آوردن"^۲، کیمیاگری و تبدیل محدودیت به امکان دانست که جزء دایره اصطلاحات پر کاربرد تمدن‌های واقع شده در اقلیم‌های سخت مانند اقلیم گرم و خشک ناحیه حاشیه کویر مرکزی ایران به شمار می‌روند. به واسطه عمل بهیافت با رجوع به مواد و مصالح، اشیا و وسایل بلااستفاده، چیزهایی با ارزش تر تولید می‌شود. به این تعبیر، هر عملی که به حفاظت و تحول ارزش چیزی بیانجامد گونه‌ای از بهیافت خواهد بود و می‌تواند در مقیاسی وسیع‌تر، دست‌مایه‌ای برای تعریف مجدد فعل معماری (به معنای آبادانی) باشد. این مقاله در مرحله دوم به تعریف مکتب بهیافت می‌پردازد که یکی از مبانی نظری تمدن معماری ایرانی و سنت ساختن بوده و ریشه ناپیدای به وجود آمدن بسیاری از وجوه پیدای این تمدن قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد مکتب بهیافت می‌تواند به عنوان یک فلسفه پشتیبان، بسیاری از امور مرتبط با زیستن را متحول سازد. این مقاله از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و با اتکا بر روش استدلال منطقی بر پایه تعاریف اولیه از مفهوم بهیافت، و مراجعه به منابع و داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی به راهبرد ارائه مدل عملیاتی می‌انجامد. تحقیق حاضر مشق بهیافت را به عنوان روشی برای بازرویش و احیای مکتب بهیافت معرفی می‌نماید که به معنی انجام روشمند عمل بهیافت بوده و شامل سه مرتبه "بن‌یافت"، "بهیافت" و "دریافت" می‌باشد. تعاملی دوسویه بین مشق و مکتب برقرار است که به دلیل قوه‌ی نامیه مشق بهیافت، به بالندگی ساحت نظری مکتب بهیافت می‌انجامد. در نهایت، مقاله حاضر طرح منظومه مشق را برای کارگاه‌های مشق بهیافت ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: بهره‌وری، مکتب بهیافت، عمل آوردن، مشق بهیافت، تعلیم و تربیت

پرسش‌های پژوهش

مکتب بهیافت چیست و در چه زمینه‌ای تعریف می‌شود؟

چگونه می‌توان با توسل به مشق نظری-عملی، مکتب بهیافت را احیا نمود؟

آستانه

از عزیزانی که این مقاله را مطالعه می‌کنند تقاضا داریم هرگونه اطلاعاتی که در زمینه بهیافت دارند به نشانی behyaft.arch@gmail.com ارسال فرمایند تا با ذکر نام ایشان در "کشکول بهیافت" به آدرس www.instagram.com/behyaft برای دسترسی عمومی قرار داده شده و در رساله با عنوان "مکتب بهیافت در معماری" استفاده شود. کشکول بهیافت بازارچه‌ای است نه برای تبادل کالا، بلکه برای مبادله تجربه و اندیشه. این کشکول به‌عنوان شکل جدیدی از صدقه جاریه است که می‌تواند ماهیت رساله را از "پروژه" به "پروسه" متحول نماید. (م. ر. اولیاء، ۱۳۹۴) شناسایی و معرفی اصطلاحات مترادف با "عمل آوردن" در انواع گویش‌های محلی، ترجیحاً با ذکر مصادیق مطلوب و مشکور است.

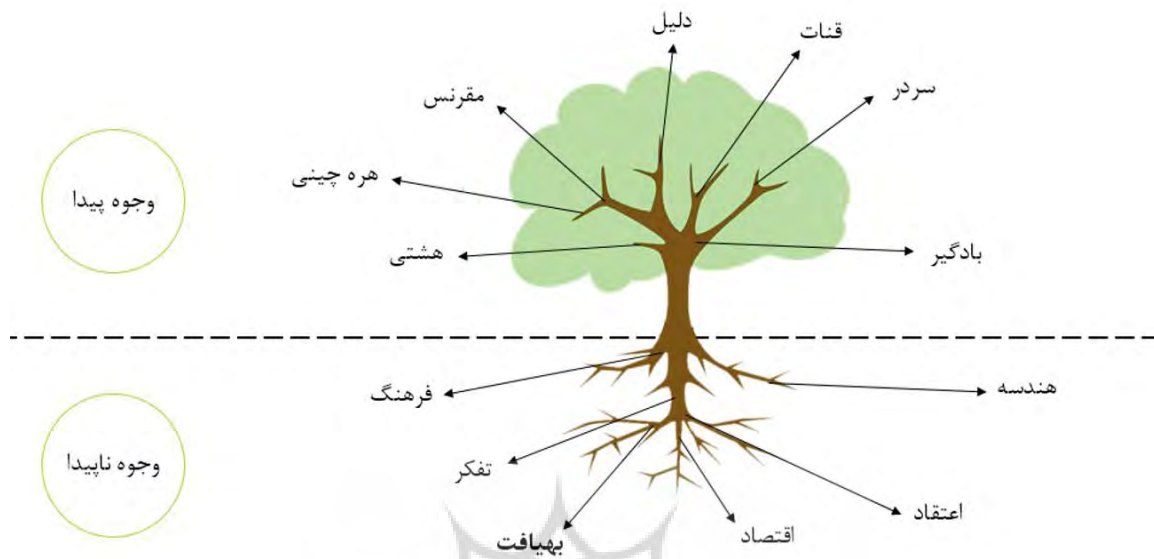
۱- مقدمه

تعاریف اولیه

این مقاله ابتدا از تعریف مکتب بهیافت آغاز کرده و با تعریف حدود و ثغور و سپس بیان وجوه تشابه و تفاوت آن با مفاهیم مرتبط و مشابه، به بیان چیستی آن می‌پردازد. آنگاه پس از تبیین اهمیت و ضرورت بازرویش مکتب بهیافت (چرایی) در شرایط زمینه و زمانه معاصر، با معرفی مشق بهیافت، چگونگی امکان تحقق احیای تفکر بهیافتی را به‌وسیله آن بررسی خواهد نمود.

بهیافت را می‌توان در مرتبه اول در ساحت یک فعل و در مرتبه‌های دیگر به‌عنوان یک تفکر مورد بررسی و تحقیق قرار داد. در ساحت فعل، بهیافت زمانی اتفاق می‌افتد که در راستای تولید وسایل و مایحتاج زندگی و تحول ارزش چیزها به مصالح بلااستفاده و اصطلاحاً دورریختنی^۳ مراجعه شود. در نتیجه، "کشف استعداد مکتوم نعمت‌ها و کاربست آن" تعریف شده است و یکی از افعال ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی و به‌ویژه منطقه کویر بوده و فرهنگ یزدی را می‌توان به‌عنوان جلوه‌گاه بی‌چون‌وچرای آن دانست.^۴ به تاسی از مهدی حجت (۱۳۸۴) مرحله کشف را حاصل "حکمت" و مرحله کاربست را مرتبط با قوه "صناعت" می‌دانیم. به دلیل خاستگاه فکری-اعتقادی ویژه، بهیافت با موارد مشابه مانند ^۵Recycling و Upcycling متفاوت است و ریشه در اعتقادات، باورها، فرهنگ و سنت منطقه کویر مرکزی ایران دارد. در واقع بهیافت حاصل تفکری واحد است که نگاهی برتر را برای کشف قابلیت‌های موجود در چیزها در اختیار انسان قرار می‌دهد و او را قادر می‌سازد در جهت حل مسائل، مرتبه و درجه آن چیز را حفاظت نموده، متحول ساخته و حتی ارتقا بخشد. این تفکر با عنوان "مکتب بهیافت" نام‌گذاری شده و در زمره وجوه ناپیدای درخت تمدن معماری ایرانی^۶ قرار می‌گیرد. هر درخت بخشی در زیر خاک (ناپیدا) دارد و بخشی بیرون از خاک که (پیدا) و هویداست؛ به‌گونه‌ای که قسمت پیدا توسط قسمت ناپیدا تغذیه می‌شود. وجوه پیدا و ناپیدای تمدن معماری ایرانی هم به همین‌گونه عمل می‌کنند. مکتب بهیافت در کنار وجوهی نظیر اعتقادات، فرهنگ، هندسه و... قسمت‌های مختلف ساختار ریشه این درخت را می‌سازد تا بتواند وجوه پیدای تمدن را سیراب نماید. رجوع به این ریشه‌ها زمینه‌ساز تقویت و بالندگی بیشتر وجوه پیدای این تمدن خواهد بود. میراث فرهنگی ریشه رشد و تعالی هر کشور و گنجی است که باید با استخراج ارزش‌های آن امروز و فردای خودمان را بسازیم. میراث فرهنگی منبع و آبشخور ما در محصولات فرهنگی، سبک زندگی،

رفتارهای اجتماعی و سلوک ما است. (مهدی حجت، ۱۳۹۲) در مورد این بیان استعاری در بخش ۳-۸ قوه نامیه مشق بهیافت توضیحات بیشتری خواهد آمد.



تصویر ۱: بیان استعاری از تمدن معماری ایرانی به یک درخت (ماخذ: نگارندگان)

۲- بیان مسئله: اهمیت و ضرورت بهیافت در زمینه و زمانه کنونی (چرایی)

در روزگار معاصر به دلایل مختلف عرصه بر تولید تنگ آمده است؛ به قسمی که بیم آن می‌رود کمتر از یک نسل آینده با موضوع تولید در تمام جنبه‌های آن بیگانه باشد. برای شناخت زمینه و زمانه کنونی، بخش آتی نیم‌نگاهی به شرایط زیست انسان امروزی می‌اندازد.

خانه-زندگی بر محور مصرف!

اهمیت پرداختن به موضوع تغییر محوریت زندگی و به تبع آن محل سکونت انسان امروزی از تولید به مصرف کمتر از بحث در مورد خود تولید نیست. چرا که با تشخیص زشتی‌ها و رعایت فاصله از آنهاست که [انسان] می‌تواند راه را به سوی شناخت زیبایی‌ها بگشاید. (اولیاء و اولیاء، ۱۳۹۸) جستجوی چاره‌ای برای رهایی از سیر قهقرایی بشر امروزی که به واسطه شتاب‌زدگی و مصرف‌زدگی دچار آن شده است از مهم‌ترین موضوعاتی است که در هر زمینه‌ای نیاز به تعمق و تحقیق دارد. به تأسی از عبدالکریم سروش (۱۳۶۴) که زباله‌زایی را محصول نحوه جدید زندگی شهری می‌داند، افزایش روز افزون تپه‌های زباله در جوار شهرهای بزرگ از جمله یزد را گواهی بر این موضوع می‌شماریم که نشان از پسرقت شدید تاریخی دارد. محمدرضا اولیاء (۱۳۹۸) این رویه بشر را تخطی از سنت‌الله دانسته و بر مبنای یکی از اساسی‌ترین قوانین آفرینش که قانون عمل و عکس‌العمل است، آینده بشر را در معرض خطر می‌بیند. اهمیت این بحث، زمانی خود را می‌نماید که توجه کنیم سهم عمده این حجم از زباله‌ها مربوط به ساخت و ساز بوده و معماران و سایر رشته‌های مرتبط به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مرتکب گناه^۷ اسراف می‌شوند. گویی فعل معماری که برگردان واژه آبادانی است دچار انحرافی اساسی از مسیر اصلی خود شده و به سمت تخریب و تباهی پیش می‌رود. اینجاست که جامعه معماری و شهرسازی می‌بایست توقف نموده و نگاه دوباره‌ای به بنیادی‌ترین تعاریف از معماری، عمران و آبادانی و نسبت آن با قوانین آفرینش یا سنت‌الله بیاندازد. دکتر عیسی حجت در کتاب مشق معماری خود اندیشه انسان‌های والا را عامل شرافت بخشیدن به ماده، به واسطه معماری می‌داند: معماری،

شرافت بخشیدن به ماده است. مگر نه این است که برترین و برجسته‌ترین آثار معماری به مدد اندیشه انسان‌های والا با خاک و خاشاک و سنگ و چوب ساخته شده‌اند. (ع. حجت، ۱۳۹۰، ص. ۷۷)

بحث در مورد احیای مکتب بهیافت در چنین فضایی موضوعیت می‌یابد؛ چرا که به بهانه‌های گوناگون مانند کوچک‌شدن خانه‌ها و رواج زندگی آپارتمانی، نظاره‌گر برجیده‌شدن برق‌آسای مظاهر تولید خانگی مثل چرخ‌های خیاطی و حتی کوچک‌شدن آشپزخانه‌ها هستیم! اتفاقاتی که خبر از مصرفی‌تر شدن روزبه‌روز جامعه دارد. امروزه سبک زندگی ایرانی از فرهنگ تولید به فرهنگ مصرف تغییر کرده‌است. به طوری که خانوارها حتی اموری مثل پخت‌وپز و تربیت فرزندان را به خارج از خانه واگذار کرده و حاضر به انجام این امور در داخل خانواده نیستند (ح. حیدری و جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۲) سبک زندگی مصرفی امروز ما، چنان ما را به مصرف، زیر سایه دکل‌های نفت و تنبلی‌های ناشی از آن عادت داده است که زندگی جز آن را نوعی بیگاری می‌دانیم بدون توجه به این نکته که «کسی و یا نسلی که عادت به بیگاری و افتخار به بی‌عاری را آموخت، دیگر کارکن و تولیدکننده و خلاق و مبتکر نخواهد شد. (ل. اولیاء، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۵) این موضوع زنگ خطری را به صدا در می‌آورد که هرچه زودتر باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

۳- پیشینه تحقیق

اصطلاح "بهیافت" برای اولین بار در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول این مقاله در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان "بهیافت در معماری داخلی" استفاده شده و به عنوان معادل فارسی آپسایکل در نظر گرفته شده‌است. تا پیش از ارائه مقاله حاضر در متون داخلی بسیاری به این پایان‌نامه ارجاع شده که در هیچ‌کدام از آنها از شکل ترجمه‌ای این اصطلاح فراتر نرفته و ساحات مختلف بهیافت از قبیل مشق و مکتب مورد توجه قرار نگرفته‌است. به عنوان مثال، منصوری و سیده (۱۳۹۳) با زمینه تخصصی معماری منظر به این مفهوم مراجعه نموده و آن را به عنوان رویکردی نو در احیای نواحی دفن زباله معرفی نموده است. یا المعی و طایفه (۱۳۹۹) از این رویکرد در طراحی داخلی فضای نمایشگاه صنعت خودرو بهره گرفته است. رویکردهای زیست محیطی بهیافت مانند تأثیر آن در بازتوسعه اراضی قهوه‌ای، مدیریت آبهای سطحی و لندفیل در مقالات خاکزند و کیایی (۱۳۹۶) و همچنین راستی و نیرومند (۱۳۹۵) مورد توجه قرار گرفته‌است.

همچنین همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، بهیافت در ساحت فعل با آپسایکل ارتباط بسیار زیادی دارد. پیلز (۱۹۹۴) برای اولین بار از این واژه استفاده کرده و بعد از آن مورد توجه افراد زیادی مانند برانگارد و مک دونو (۲۰۰۶)، پیترسون (۲۰۱۱)، لمان و کراکر (۲۰۱۲) و جانسون (۲۰۱۳) بوده است.

از طرفی، تعدادی از صاحب‌نظران حوزه‌های فلسفه و معماری از زوایای مختلف به بیان واژگان و مفاهیمی پرداخته‌اند که به گونه‌ای مرتبط با مفهوم بهیافت بوده و در قسمت "ردپای بهیافت در دوره سنت" به تفصیل، مورد واکاوی قرار می‌گیرد. از این جمله می‌توان به مفهوم بهره‌وری ایرانی و کیمیاگری که توسط سیدمحمد بهشتی (۱۳۹۹) و (۱۳۹۸) مطرح شده است اشاره نمود. همچنین محمدکریم پیرنیا (۱۳۸۳) در معرفی ویژگی‌های معماری ایرانی با تمرکز با مفهوم قناعت به معرفی اصطلاحاتی چون پرهیز از بیهودگی و خودبسندگی می‌پردازد. مفهوم قناعت که ارتباط عمیقی با بهیافت دارد توسط مهوش و سعدوندی (۱۳۹۷) و همچنین حیدری و قاسمیان (۱۳۹۸) مورد بررسی قرار گرفته‌است.

۱-۳ ردپای بهیافت در دوره سنت (چیستی)

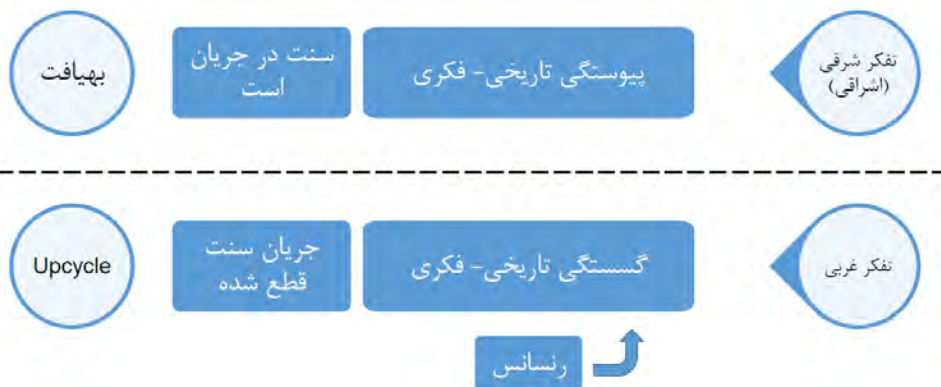
مهم‌ترین رسالت این تحقیق، شناسایی موضوع بهیافت و جستجوی ردپای آن در مراتب ریشه‌ای هویت فرهنگی و سنت بومی است. رجوع به این منابع و به مدد سرنخ‌های فرهنگی و تاریخی‌ای که هنوز قابل دسترسی هستند، به‌زعم سید محمد بهشتی (۱۳۸۹) بیشترین

نقش را در حفظ، بقا و تامین سعادت جامعه ایفا می‌کنند. به عبارتی، همان‌گونه که در فعالیت لایروبی و احیای قنات، این ساختار از شکل بایر به حالت دایر بدل می‌شود. این پژوهش هم در پی پیشنهاد روشی است که مکتب بهبافت را بر پایه ساختار موجود دوباره دایر نماید. حال که سخن از قنات به میان آمد جا دارد به نمونه‌ای از تجربه "بهبافت"، آن‌هم در مقیاس شهری، در دوران مدرن اشاره شود. می‌دانیم در گویش یزدی به قنات خشکیده و متروک "پوکه" گفته می‌شود. در دوران اخیر، فاضلاب برخی خانه‌ها و بدر از آن فاضلاب یکی از بیمارستان‌های واقع در محله گازرگاه یزد به پوکه قنات سرازیر شدند و زمینه را برای تولید بیماری‌هایی چون "سالک" فراهم نمودند. "بهبافت" نوعی "سوء استفاده"^۹ از چیزی است که در مقایسه با "حسن استفاده" بازشناخته می‌شود.

عمل تبدیل و ارتقای اشیاء دور انداخته شده (یا در خطر دور انداخته شدن) به چیزهای کارآمد (به‌دردخور^{۱۰}) به‌عنوان یکی از ریشه‌دارترین افعال یا رفتارهایی است که در فرهنگ‌های مختلف به اشکال گوناگونی وجود دارد. در ایران به دلیل مسائل اعتقادی و فکری جایگاه ویژه‌ای به خود گرفته، به‌گونه‌ای که در تمام شئون زندگی سنتی ساری و جاری بوده است. توجه به نوع و میزان مصرف، قناعت و پرهیز از اسراف و بیهودگی در اسلام و سنت باعث شده است تا مردم ماده را نعمت خدا دانسته و دور انداختن و اسراف آن را امری ناپسند قلمداد کنند. زباله‌شناسی عصر جدید (که نخاله‌شناسی را نیز شامل می‌شود)، امکان می‌دهد تا میزان ابتلای انسان متجدد به عارضه اسراف بهتر و بیشتر آشکار شود. عارضه‌ای که محصول تغییر رویکرد انسان دوره مدرن بوده و تبعات آن از قبیل برهم خوردن تعادل کره زمین، میزان روزافزون گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن جهانی^{۱۱} و حتی آسیب‌های اجتماعی غیر قابل انکار است. برای فهم چندانچون این مطلب می‌بایست ابتدا در مورد انسان دوره سنت، تعاریف، اهداف، ارزش‌ها و ذهنیات او و همچنین تفاوت‌هایش با انسان مدرن بیشتر بدانیم.

۲-۳ انسان سنتی در برابر انسان مدرن

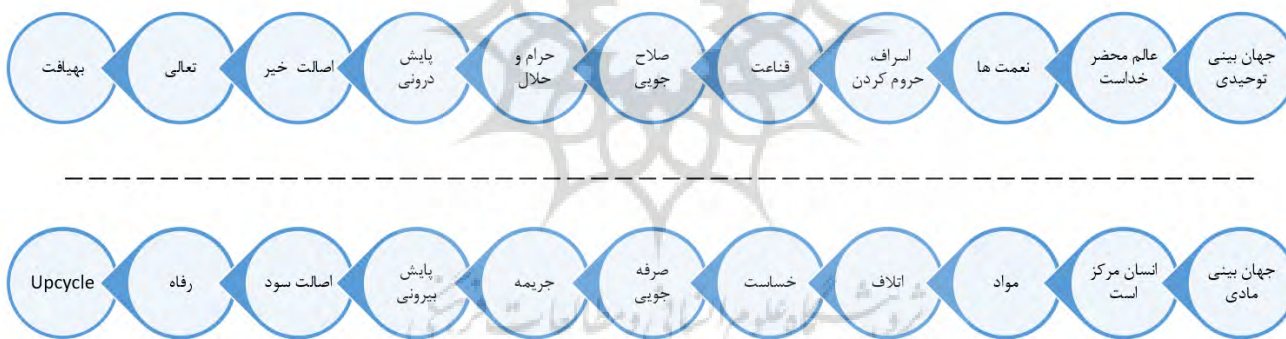
از مرتبط‌ترین مفاهیم با بهبافت که پیش از این در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده (امینی، ۱۳۹۲) مورد بررسی و تعمق قرار گرفته است می‌توان به بازیافت و آپسایکل اشاره کرد. مسئله حائز اهمیت در خصوص وجوه تمایز این مفاهیم با بهبافت، تفاوت در جهان‌بینی مادی و دستگاه فکری مدرن است که این‌گونه مفاهیم از آن ناشی می‌شوند. عیسی حجت (۱۳۸۴) در مقاله خود در باب رابطه هویت و معماری این تفاوت‌ها را مورد مطالعه قرار داده و به نقل از سیدحسین نصر مسئله هدف را به‌عنوان مهمترین وجه تمایز این دو تفکر معرفی می‌کند. انسان مدرن به مدد خرد، اهدافی را در جهت کام‌یابی هر چه بیشتر در زمان بودنش در این عالم ساخته و با کوشش و تلاش و پشتکار فراوان یکی پس از دیگری به آن هدف‌ها دست می‌یابد. انسان مدرن هدفی خارج از جهان مادی نمی‌شناسد و به ریاضت و عقوبت و معاد اعتقادی ندارد. انسان مدرن، زاده رنسانس است. رنسانس بهشت یگانه جاودانه آسمانی را به بهشت‌های کوچک زمینی بدل کرد تا هرکس برای خود بهشتی بیافریند و دیر یا زود بدان دست یابد و چون دست یافت، بهشتی دیگر (ع. حجت، ۱۳۸۴)



تصویر ۲: تاثیر رنسانس بر تفکر غربی و انقطاع جریان سنت در غرب در مقابل پیوستگی جریان سنت در شرق (ماخذ: نگارندگان)

به‌علاوه تلقی هنر سنتی و مدرن از انسان به کلی متفاوت است. به نقل از سید محمد بهشتی (۱۳۸۲) در تفکر امروزی، نازل ترین جهانی که در آن به سر می‌بریم معتبر است، یعنی جهان ماده؛ و بخشی از وجود انسان که با این جهان متناسب است اعتبار دارد، یعنی حیات دنیوی انسان. از این دیدگاه [به عنوان نمونه]، فرش باید پاسخ گوی نیازهای بعدی از وجود انسان یا حیات او باشد که در حبس این دنیاست. (بهشتی، ۱۳۸۲)

به‌طور خلاصه می‌توان تفاوت در این دو جهان‌بینی و تعابیر متفاوتی که در آنها وجود دارد را در نمودار زیر خلاصه کرد:



تصویر ۳: تعابیر موجود در دو جهان‌بینی توحیدی و مادی (ماخذ: نگارندگان)

به عنوان نمونه، می‌توان مفهوم اتلاف را با اسراف یا حروم کردن^{۱۲} در این دو جهان‌بینی مقایسه نمود.

اتلاف، امری است که بیش از آنکه یک فعل منفی جاری و ساری در جامعه انسانی یا امری مذموم باشد، امری است که همواره همراه و مستتر با وجود و هستی عالم بوده و هست. اتلاف، به معنای هدررفتن، تزییح، نابودی و تباهی در واقع طرف تاریک فعل مصرف یا استفاده است و نمی‌توان آن را به صورت مستقل بررسی نمود. (همان‌طور که در هنر خطاطی سیاهه یا سواد خط را بدون در نظر گرفتن بیاض یا سفیدی کاغذ، نمی‌توان مورد مطالعه قرار داد). در کتاب اتلاف لینچ از عواملی نظیر افول، فرسودگی و اتلاف به‌عنوان اجزای لازم زندگی و رشد یاد می‌کند (لینچ، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). به نظر می‌رسد لینچ به موضوعی مانند اتلاف نیز به‌عنوان یکی از مقیاس‌هایی که در بررسی شهر باید مورد توجه قرار گیرد، می‌نگرد. اما فعل اسراف که به عنوان یکی از گناهان کبیره در جهان‌بینی توحیدی شناخته شده است، امری نکوهیده و زشت شمرده شده و در عرف جوامع توحیدی قبح آن غیر قابل انکار است.

یکی دیگر از موارد مرتبط با بهیافت که دیدگاه جهان سنت و مدرن نسبت به آن متفاوت است، تلقی آنها از نسبت بین زیبایی و کاربرد است. بهشتی معتقد است این نسبت در دیدگاه سنتی حالت طولی و هم‌زمان دارد. در عالم سنتی، این دو جنبه را نه در عرض هم، بلکه در طول هم می‌دیدند. نسبت کاربرد با جمال در هنر سنتی نسبتی اضافی نیست؛ چنین نیست که زیبایی و زینت را بر شیء بیفزایند یا شیء کاربردی را محمل زیبایی قرار دهند. زیبایی در هنر سنتی در طول و در امتداد کاربرد قرار دارد. شیء در نازل‌ترین مرتبه خود کاربرد موردنظر را دارد و هر چه ارتقا یابد هم کاربردی‌تر می‌شود و هم زیباتر. به سخن دیگر، شیء کاربردی در مراتب ارتقای کیفیت و کمال خود زیبا می‌شود و صورتی هنرمندانه می‌یابد؛ همچون غنچه که می‌شکفتد و گل می‌شود. حالت غنچه و گل دو حالت هم‌عرض نیست؛ گل بودن امری نیست که بر غنچه اضافه شود، بلکه غنچه در مرتبه کمال خود به گل بدل می‌شود؛ گل همان غنچه است که ارتقای کیفی یافته است. (بهشتی، ۱۳۸۲) چه بسا آپسایکل نیز برای نیل به هدف ارتقای کاربرد و ارزش‌آفرینی به شیء، روش تزئین را به کار ببندد. مسئله اصلی که این مقاله به آن می‌پردازد، تفاوت آپسایکل و بهیافت در رویکرد و هدف است، که در بالا به آن پرداخته شد. بر این مبنا می‌توان این گونه نتیجه گرفت که بهیافت نه صرفاً بدل کردن شیء بلااستفاده به شیء کاربردی، بلکه زیباتر کردن و با ارزش‌تر کردن شیء و در نهایت، قراردادن آن در مسیر تعالی است. این نوع نگرش در عالم سنت تحت عناوین مختلفی از جمله کیمیاگری معنا پیدا می‌کند.

۳-۳ بهیافت، کیمیا و معماری

همان‌طور که از تعریف برمی‌آید، ماهیت فعل بهیافت با تغییراتی در شیء همراه است؛ به‌گونه‌ای که آن شیء در جریان این تغییرات ارزش می‌یابد. این گونه تحول با کیمیا و کیمیاگری ارتباط پیدا می‌کند. سید محمد بهشتی (۱۳۹۸) کیمیاگری را چیزی بالاتر از افسانه تبدیل مس به طلا تعبیر کرده و آن را استعداد انس گرفتن با هر چیز و تقلیب آن می‌داند که در جریان آن حتی گل [که ماده‌ای پست و بی ارزش به حساب می‌آید] نیز این قابلیت را دارد که در فرآیند پیچیده‌ای که تفاوتی با فرآیند کیمیاگرانه ندارد، از خشت و آجر و سفال فراتر رود و به دست پرورده‌هایی لطیف‌تر برسد؛ چیزهایی چون سفال فیروزه فام و زرین فام که در نفاست کم از فیروزه و طلا ندارند... آدمی با راه‌یافتن به دل موضوعات می‌تواند آن گوهر نهفته در هر موضوع را بیرون آورده و بدین‌سان آنچه را که در ظاهر پست و بی ارزش بوده، قوت و غنا بخشد. بی جهت نیست که «قلب» دو معنا دارد؛ یکی به معنی «دل» یا «باطن»، و دیگری به معنای «تغییر دادن». البته «قلب کردن» به معنی تعبیری ژرف است، مترادف با «از این رو به آن رو کردن» یا «زیر و زبر کردن». یعنی هر آن میزان که چیزی کم ارزش‌تر و ناچیزتر باشد، در جریان قلب کردن، ارزشمندتر می‌شود. این همان معنای حقیقی کیمیاگری است. (بهشتی، ۱۳۹۸) مهمترین محصول بهیافت نه تولید مجدد یک شیء، بلکه تولد (دوباره) انسانی برتر یا انسانی بهتر است.

از نگاه آیت‌الله‌زاده شیرازی، این نوع تفکر ویژه مردمان ناحیه کویری بوده و آن را علاوه بر معماری به هنرهای دیگر هم تسری می‌دهد. حال این مردم خاک را از زمین برمی‌دارند و به این خاک زندگی پرونقی می‌دهند، به مدد همین خاک زیباترین نموده‌های تزئینی را می‌آفرینند که نه تنها خاک، که آجر و چوب و سنگ و خشت را هم با چنین مهارتی بکار می‌گیرند و این مهم تنها شامل هنر معماری نمی‌شود که بسیاری هنرها را در برمی‌گیرد. بعد در طول زمان بی‌آنکه سهمی از گذشته را نادیده بگیرند، به سوی تکامل می‌روند. (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۰)

کیمیاگری و اعتلای قدر و درجه چیزها توسط مردمان ایران‌زمین از دید سید محمد بهشتی (۱۳۸۲) رسانیدن هر چیزی به درجه شاعرانه آن است. از خصوصیات فرهنگی ما ایرانیان این است که به مراتب نازل بسنده نمی‌کنیم و تا هر چیزی را به مرتبه شاعرانه آن نرسانیم از پا نمی‌نشینیم؛ مثلاً در نظر ما، پل نباید فقط محل عبور جسم انسان باشد، بلکه باید به مرتبه شعر، یعنی مرتبه پل خواجو، برسد و تا

شعر حمام - حمام گنج علی خان - سروده نشود، آرام نمی‌گیریم. همه چیز باید مشمول این کیمیاگری روح ایرانی شود. ایرانی تا خاکی را به کیمیا زر نکند راضی نمی‌شود و هر جا که مجال یافته آن را به میدانی برای کیمیاگری بدل کرده است. (بهشتی، ۱۳۸۲) تصویر که در روستای کندلوس عکاسی شده است، کاربست هنرمندانه دو شاخ را به جای دستگیره‌های درب خانه‌ای روستایی نشان می‌دهد. این نمونه‌ای از اعتلای درجه ماده و شاعری کردن با آن است.^۳



تصویر ۴: شاخ! به عنوان دستگیره در، روستای کندلوس، ایران (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۰)

از این نوع رویکرد می‌توان نتیجه گرفت هر نوع دخل و تصرفی که در چیزها از ماده گرفته تا فضا و حتی معنا^{۱۴} می‌تواند صورت بگیرد در صورتی که دید شاعرانه در آن وجود داشته باشد و به اعتلای قدر و ارزش آن منتج شود، صورتی از کیمیاگری است. این امر را می‌توان تعریفی از معماری به معنای عام آن دانست. همان‌طور که از نگاه بهشتی (۱۳۹۰) معمار مانند باغبانی بوده که قصد داشته طبیعت را در موقعیتی قرار دهد که میوه و ثمر بهتری به بار آورد؛ گوهر ذاتی طبیعت را آشکار کند... معمار منابع زیستی بالقوه را که در ظاهر مانع رشد کار اوست، ابتدا آرام و سپس اهلی می‌کند. پس معمار سه مرحله را طی می‌کند: مهار کردن از وحشی بودن، رام کردن، اهلی کردن. نادر اردلان در کتاب حس وحدت (۱۳۷۹) این مفهوم را وامی‌کاود و آن را به‌عنوان فعلی در امتداد عمل آفرینش پروردگار می‌یابد. به بیان اردلان، انسان سنتی در فرایند آفرینش سهیم می‌شود. از طریق فرآیند استحاله ماده، بازگرداندن ماده به فطرت ازلی اش به مثابه «طلای مخفی» همانگونه که بود. نگارگر یا کاشیکار، مادناً همچنانکه معناً، در فرایند کیمیاگری سهیم می‌شود. ورود خود کیمیاگر در فرایند کیمیا موضوعی است که در این نوشته بسیار حائز اهمیت است. چرا که کلید فراگیری بهیافت و احیای مکتب بهیافت در آن پنهان است. اردلان عقیده دارد با علم کیمیا آدمی خود را در فرایند خلقت دنیوی شرکت می‌دهد. کیمیا جنبه‌ای دوگانه دارد. از سوئی دانش تبدیل نفس آدمی است؛ از سوی دیگر، از طریق هنرها و صنایع سنتی، دانشی پیرامون ذوات و فرایندهای طبیعت است... عارف، پس از ریاضتی سخت، به توازنی دست می‌یابد و از راه روش‌های کیمیائی بسط و قبض و انعقاد و انحلال، نفس او دگرگونه می‌شود. (اردلان و بختیار، ۱۳۷۹، ص. ۵۰) به همین منوال به جهت احیای مکتب بهیافت روش مشق در این مقاله پیشنهاد شده و در ادامه متن بیشتر در مورد آن شرح داده خواهد شد.

۴-۳ عمل آوردن، پرهیز از بیهودگی و هنر تبدیل محدودیت به امکان

انسانی که در مکتب بهبافت رشد کرده و در این فضا تنفس می‌نماید، حدّ میانی بین مصرف و دور ریختن را فهم می‌کند. بدین معنی که بعد از اینکه از چیزی استفاده کرد و قبل از اینکه بخواهد آن را دور بیندازد، دوباره به آن نگاه می‌کند و کاربست جدیدی را برای آن می‌جوید. این نگاه هیچ‌گاه متوقف نشده و تا جایی پیش می‌رود که نه تنها عمر مفید ماده به حداکثر می‌رسد، بلکه در نهایت دورریز مواد هم به حداقل خواهد رسید. به عنوان مثال غذای خود را با همسایه‌ها تقسیم می‌کند. به‌علاوه، باقی مانده غذا را برای حیوانات خانگی مثل مرغ و خروس یا چارپایان می‌ریزد و حتی سفره را در باغچه برای پرندگان می‌تکاند. شاید این گونه رفتارها به نظر پیش‌پاافتاده و حتی بدیهی برسد، اما توجه به میزان قابل توجه و روبه‌رشد پسماندهای خوراکی، زباله‌های ارگانیک شیرابه‌زا مانند پوست میوه‌ها و حتی نان دورریخته شده در شهرهای امروزی حاکی از عدم توجه به این موضوع است. از میان عوامل متعدد شکل‌گیری این عادات می‌توان به تغییر شکل خانه‌ها و شهر اشاره کرد. در نتیجه جلب توجه به این موضوعات و ایجاد ظرفیت رفتار بهبافتی و احیای مکتب بهبافت در معماری شهر و مسکن به عنوان یکی از مهمترین اهداف این مقاله در نظر گرفته شده است.

تفکر بهبافتی به‌ویژه در فرهنگ مردمان نواحی با اقلیم سخت مانند اقلیم گرم و خشک حاشیه کویر مرکزی ایران به‌وضوح قابل مشاهده است. تفکری که در هر چیز به دنبال تولید ارزش و تبدیل محدودیت به امکان است. اصطلاحاتی نظیر عمل آوردن و نقد کردن در گویش یزدی گواهی است بر این مدعا. فعل عمل آوردن که از هم‌خانواده‌های آن می‌توان به‌عمل آمده، عمل آوری و عمل آور یاد کرد، به معنی فعلیتی به کار می‌رود که در نتیجه آن شیء عمل آورده شده از ارزش بالاتری نسبت به مواد اولیه برخوردار شود. همچنین نقد کردن در گویش یزدی به فعلی اطلاق می‌شود که به‌منظور جلوگیری از اتلاف چیزی، آن را به کار بسته و از آن برای رفع نیازی دیگر بهره‌جویند. به‌عنوان مثال تکه‌های پارچه را "نقد می‌کنند" و برای درست کردن لحاف چهل‌تکه به کار می‌برند یا پارچه‌های کهنه را فتیله کرده و با آن‌ها تخت گیوه می‌سازند؛ از طریق ساخت سازه‌هایی با نام کبوترخان یا کبوترخانه فضولات کبوتران را "نقد کرده"، از آن‌ها برای بارور کردن زمین‌های کشاورزی استفاده می‌کنند. (فرهادی، ۱۳۷۳) از طرفی اعتقاد به مذموم بودن اسراف در فرهنگ اسلامی شدیداً در تفکر این مردمان رخنه کرده است. محمدکریم پیرنیا (۱۳۸۳) یکی از اصول معماری اسلامی را با عنوان پرهیز از بیهودگی تعریف نموده است: *در معماری ایران تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کرده اند. این اصل هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات می‌شده است. در قرآن کریم آمده «مومنان، آنانکه از بیهودگی رویگردانند.»* (پیرنیا، ۱۳۸۳، ص. ۲۸)

در معماری ایرانی در ساخت بنا هیچ چیز بیهوده نبوده و عوامل محیطی و زمینه‌ای مانند تابش، باد و حتی قابلیت زمین-گرمایی را به بهترین نحو در طراحی بازشوها، تقدیر پر و خالی و جهت‌گیری بنا و... به کار بسته است. ایجاد عناصری مانند بادگیر، کلاه‌فرنگی، کونوشکنی، باغچه‌ها، حوض، پایاب و... نشان دهنده دقت معمار ایرانی به همه منابع بالقوه و پرهیز از بیهودگی است. علاوه بر این، همواره از قطعات دورریز مصالح موجود در کارگاه نیز با تکنیک‌های خاصی استفاده می‌شده است. به عنوان مثال در تکنیک کاشی‌کاری معرق (تصویر) برای ساخت قطعات کوچک از تکه‌های کاشی که حین فرایند تراش قطعات بزرگتر به‌وجود می‌آید استفاده می‌شود؛ که البته علاوه بر مرمت‌پذیری و جلوگیری از دورریخته شدن مقدار زیادی مصالح، مزیت‌های دیگری نیز دارد^{۱۵}؛ یا در ساخت اُرسی از آن‌جا که قطعات شیشه‌رنگی به کار رفته در ساخت این پنجره‌های مشبک متفاوت است، هر خرده شیشه‌ای که در کارگاه "دم دست" باشد با تغییر اندازه اندکی قابل استفاده است.



تصویر ۵: کاشی کاری معرق، مسجد جامع یزد (ماخذ: احمدی، ۱۳۹۰)

از آنجا که در گذشته ساخت آجر به دلیل در دسترس نبودن سوخت‌های فسیلی بسیار هزینه‌بر بوده، این مصالح به شدت با دقت در معماری به کار می‌رفته است. به عنوان مثال در معماری‌های حاشیه کویر ایران تنها قسمت بیرونی بنا که در معرض باران و سایش قرار داشته با آجر ساخته می‌شده و در داخل جرزهای برابر حتی‌الامکان از خشت خام استفاده می‌کرده‌اند. علاوه بر این آجر استفاده شده در کف پله‌های خانه‌ها، بعد از مدتی که بر اثر تماس پا مورد سایش قرار گرفت، "پشت و رو" می‌شده است. پشت و رو کردن یک روش بهیافتی است. روش یاد شده (توسط استاد حسن صادقیان) در دهه اول پس از انقلاب اسلامی برای ترمیم و تعمیر آجرفرش‌های کف صحن مسجد ملا اسماعیل (محل برگزاری نماز جمعه یزد) به کار گرفته شد. به علاوه، استفاده مجدد از آجر یا به‌کارگیری آجرهای شکسته در جاهای مختلف به چشم می‌خورد. تصویر قسمتی از سقف خانه‌ی سیگاری‌های یزد را نشان می‌دهد که برای پوشش آن از "پاره آجر" که قطعات دور ریز این مصالح است استفاده شده است. پوشش این سقف با قطعات کوچک آجر به اجرای آن کمک می‌کند، چرا که هندسه این سقف، غیر هندسی بوده و پوشش آن با قطعات هندسی و مربعی آجر آب انباری دشوارتر است^۶. همچنین از پاره آجرهای کوچکتر که به درد پوشش سقف یا کف نمی‌خورد، به همراه سایر نخاله‌های کوچک در زیر کف و برای شیب‌بندی و کف‌سازی استفاده می‌شود.



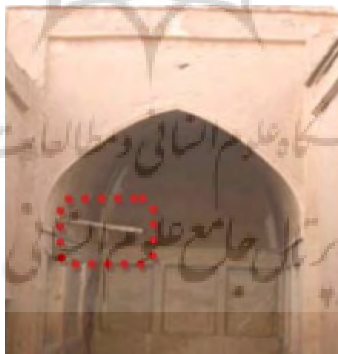
تصویر ۶: سقف قسمتی از خانه سیگاری‌های یزد که با دورریختنی‌های آجر آب انباری پوشیده شده است. (ماخذ: ادب، ۱۳۸۹)

در مقیاس کلان‌تر فلسفه ایجاد آبادانی در دل کویر نیز این‌گونه است. در اقلیمی که خاکش مناسب رشد گیاهان نبوده و اندک جانورانی سختی آن را تاب می‌آورند، با تفکر تبدیل محدودیت به امکان، قنات به وجود آمده است تا به همراه سایر المان‌ها و نظامات معماری مانند بادگیر، اقلیم را به سامان کرده و سرمنشأ آبادانی و زندگی باشد. از دوره اشکانی بود که فناوری قنات توسعه یافت و این امکان را به ساکنین فلات ایران داد که در تقاطعی با توسل به منابع آب زیرزمینی و بالقوه نیز سکونت کنند و همین سبب شد در بسیاری از نواحی

چون ری و نیشابور و میبد و یزد و فردوس و ... که تا پیش از این دوره امکان سکونت مهیا نبود شهرهایی معتبر پدید آید. ... در مجموع وابستگی زندگی به پدیده‌های چون قنات، انسان را حقیقتاً با مفاهیمی چون «صبر» و «سازش» و «آینده‌نگری» آشنا می‌کرده است (بهشتی و نجارنجفی، ۱۳۹۶) به تبع این وابستگی شدید، روحیه و طرز فکر خاصی در مردمان این مناطق به وجود آمده که مجموعه آن‌ها باعث به وجود آمدن مکتب بهیافت و تقویت و بالندگی آن شده است. این موضوع را می‌توان به‌عنوان معلولی از تأثیرگذاری متقابل انسان و زمینه (محیط) دانست؛ در واقع این تنها ما نیستیم که خانه و شهر را «می‌سازیم»، شهر و معماری نیز ما را به نحوی «می‌سازد» و «تربیت» می‌کند، لذا می‌تواند ما را در حین زندگی به تربیتی تربیت کند که با همه وجودمان با خیال تشنگی آشنا شویم و قدر و قیمت آب را بدانیم. (بهشتی و نجارنجفی، ۱۳۹۶) تذکر تشنگی (دوباره تشنه شدن) چیزی است که به زعم سیدمحمد بهشتی چاره وضعیت وخیم کنونی است. در همین راستا، همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، رسالت این نوشته پیشنهاد روشی برای احیای تفکر بهیافتی است.

۵-۳ خانه-زندگی بر محور تولید

همان‌طور که در بالا ذکر شد، اساساً انسان کویری در تعامل با این زمینه [مکانی] به‌گونه‌ای تربیت شده است که خواه ناخواه در هر فعلی که از او سر می‌زند تولید جلوه‌گر است. بررسی شواهد موجود چه در قالب شنیده‌ها و چه در مصنوعات سنتی همه حاکی از آن است که مردمان این اقلیم دمی از تولید فارغ نبوده‌اند. وجود گود برک^{۱۷} که مربوط به پارچه‌بافی با پشم شتر ضایعاتی بوده و در منطقه بشرویه متداول است [در ایوان خانه‌های کوچک به اثبات رسیده است و خانه‌های بزرگ تقریباً فاقد چنین تشکیلاتی هستند. (کاوایان و غلامی، ۱۳۹۶) این نمونه و صدها نمونه‌ی دیگر کار خانگی و فراخانگی به همراه مابه‌ازای معماری آن (خاکی قصر، ۱۳۹۷) مانند وجود کارگاه‌های پارچه‌بافی و دارهای قالی خانگی در یزد، گیوه چینی توسط زنان سالمند در خانه‌های طبس، خشک کردن میوه‌هایی مثل توت و زردآلو و اناردون برای مصرف در سایر فصول؛ و همچنین تولید و نگهداری خانگی انواع مربا، رب، ترشی‌جات، سرکه و ... که عمدتاً روشی برای حفاظت از مازاد تولید کشاورزی و باغی در تمام سال بوده است ملازمت تولید با زندگی را گواهی می‌دهد.



تصویر ۷: آثار کارگاه برک در ایوان خانه‌های بشرویه (ماخذ: کاویان و غلامی، ۱۳۹۶)

۶-۳ از مشق بهیافت تا مکتب بهیافت (چگونگی)

از آنجایی که بهیافت در خانه و با هر ماده در دسترس و با کمترین هزینه انجام می‌پذیرد، یکی از سراسرترین جلوه‌های تولید بوده و برای روشن شدن دوباره چراغ تولید مناسب بوده و گام مهمی در جهت بازگشت جان‌مایه تولید به خانه‌هاست. تبدیل یک بطری شیشه‌ای خالی یا لامپ سوخته به گلدان شیشه‌ای در گوشه‌ای از آشپزخانه یا تراس آپارتمان نیز قابل انجام بوده و صرفاً نیازمند مواد اولیه‌ای

است که برای آن هزینه‌ای پرداخت نمی‌شود. این درحالی است که تولید محصولات از مواد اولیه مانند تولید پارچه یا فرش، تنها در صورتی در خانه قابل انجام است که مواد اولیه و مهارت انجام آن مهیا بوده و تجهیزات و فضای مناسب آن پیش بینی گردد.



تصویر ۸: لامپ سوخته که به گلدان تبدیل شده است (سازندگان: فرشته شجاع و فائقه منصوری)

وقتی هدف ما بالاتر از تولید صرف یک گلدان یا محصول مصرفی بوده و چیزی فراتر مانند شکل‌گیری و احیای مکتب بهیافت مدنظر باشد سراسر بودن فرایند تولید یکی از عوامل کلیدی در جامه عمل پوشانیدن به آن خواهد بود. عاملی که لیلی اولیا (۱۳۹۴) از آن با عنوان "دغدغه تولید" یاد کرده و فقدان آن را مهمترین عامل بازدارنده رواج تولید در کشور می‌داند، به راحتی در وجود انسان قابل احیاست. انسانی که گمان می‌رفت آن‌چنان در ورطه مصرف‌زدگی فرو رفته است به لطف ویروس کرونا و قرنطینه خانگی اجباری به آشپزی و تولید نان و کیک پرداخته و به آن می‌بالد. به اشتراک گذاشتن این تجارب در محیط شبکه‌های مجازی و رواج هشتگ‌هایی مثل خودم‌پز، خانگی و خود_کفایی حاکی از بالندگی و افتخار به امر تولید است.

۷-۳ مشق بهیافت، عامل ترقی خانه به مکتب-خانه

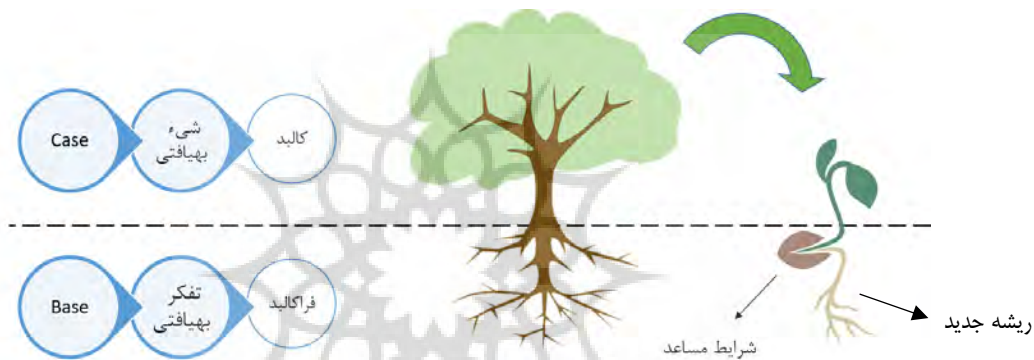
برکت اهتمام به امر بهیافت و تولیدات کوچک خانگی به محصول عینی ختم نمی‌شود. درست است که با بهیافت بطری گلاب خالی توسط مادر یا مادر بزرگ، خانه به یک گلدان زیبا مزین شده است، ولی زمانی که نیک بنگریم این امر زمینه‌ساز تربیت کودکان در خانه شده و آنها به صورت ضمنی و غیرمستقیم با الگوی پرهیز از اسراف آشنا می‌شوند. گویی نقش و درجه خانه وارد مرتبه بالاتری شده و به جایگاه و کانون تولید بدل گشته است. کودکی که در خانه در معرض تولید باشد، اهل تولید است، قدر آن را دانسته و اسراف را زشت خواهد شمرد. این موضوع سرمنشأ تبدیل خانه به "مکتب-خانه" است. خانه‌ای که در آن مادر بزرگ با فعل خود نه تنها سرگرم شده و خطر ابتلا به فراموشی و افسردگی را پشت سر گذاشته، بلکه تبدیل به مکانی برای تربیت کودک خانواده شده است. توجه به این مهم امکان نفوذ ریشه‌های بهیافت در نسل‌های آینده را ایجاد کرده و به بازرویش مکتب بهیافت خواهد انجامید.

۸-۳ قوه نامیه مشق بهیافت

در صورتی که موضوع بالا را از دید الگویی مورد تدقیق قرار دهیم، در خواهیم یافت که رابطه علت و معلولی دوطرفه‌ای بین مشق بهیافت و مکتب بهیافت برقرار است. باز کردن این موضوع نیازمند بیان مقدمه‌ای است:

یک درخت مجموعه‌ای است از ریشه، بدنه و میوه‌ها. وظیفه ریشه تغذیه درخت در راستای رشد و میوه آوری است. به‌علاوه، در صورت نابودی درخت بر اثر طوفان یا سایر بلایا، در صورت داشتن ریشه‌ای سالم و قوی، درخت خواهد توانست دوباره رشد کند. شجره طیبه مبتنی بر ریشه‌های محکم فرهنگی است. به عبارتی مسئله اصلی امروز ما این است که فرهنگ ما از چه چیز باید تغذیه نماید. ما نام این ریشه‌های معنوی و مادی را میراث فرهنگی می‌گذاریم ... در مقابل آوندهایی که مظاهر فرهنگی ما را بارور می‌کند، باید سوار بر ریشه‌های تاریخی خودمان شود. میراث فرهنگی ریشه رشد و تعالی هر کشور و گنجی است که باید با استخراج ارزش‌های آن امروز و فردای خودمان را بسازیم. میراث فرهنگی منبع و آبشخور ما در محصولات فرهنگی، سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و سلوک ما است. (م حجت، ۱۳۹۲)

از طرف دیگر، معمولاً درون میوه‌ها دانه‌هایی موجود است که با قرارگرفتن در شرایط مناسب و مخصوص خود، امکان به‌وجودآوردن درخت و درختان جدید را دارند. این پتانسیل دانه‌ها اصطلاحاً با عنوان قوه نامیه شناخته می‌شود:

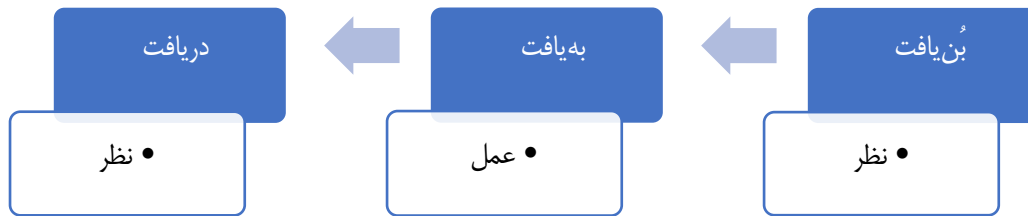


تصویر ۹: بیان استعاری قوه نامیه بهیافت (منبع: نگارندگان)

با بهره‌گیری از الگوی بالا، ریشه‌ها را به مکتب بهیافت و بدنه درخت را به جلوه‌های بهیافت تمثیل می‌کنیم. در وهله نخست، جلوه‌های گونه‌گون بهیافت از مکتب بهیافت که به‌صورت رشته‌هایی ناپیدا وجود دارد تغذیه می‌شود. با حوادث و بلایایی مانند مصرف‌زدگی ممکن است جلوه‌های بهیافت کم‌رنگ شوند ولی باز از مکتب می‌جوشند و رشد می‌کنند. به‌علاوه، مشق بهیافت که به‌مثابه دانه‌ها دارای قوه نامیه است، در صورتی که به شیوه درست و مناسب خود انجام پذیرد قابلیت رشد، تکثیر و تعمیم به باغ بهیافت را دارد.

۹-۳ مراتب مشق بهیافت

همان‌طور که در تعریف بهیافت بیان شد، بهیافت با کشف شروع می‌شود که این مرحله را حاصل حکمت دانستیم. در کشف فرض بر این است که در همه نعمات (رجوع شود به تصویر ۳) استعدادی نهفته یا مکتوم است که با درجه‌ای از حکمت قابل کشف خواهد بود. این مرتبه از مشق بهیافت که در ساحت نظر تعریف می‌شود را "بن‌یافت" می‌نامیم. کیفیت حصول بن‌یافت متفاوت بوده و در گرو درجات حکمت است. مرتبه دوم مشق بهیافت که جنبه عملی داشته و در آن کاربست اتفاق می‌افتد همان فعل بهیافت است. هر اندازه که مرحله بن‌یافت عمیق‌تر و کامل‌تر انجام شده باشد و عامل بهیافت ماهرتر باشد می‌توان از این مرتبه انتظار نتیجه بهتری داشت. در آخرین مرتبه از مشق بهیافت "دریافت" اتفاق می‌افتد که فهمی حضوری بوده و جرقه‌های ورود به مکتب فکری بهیافت در این مرتبه زده می‌شود. این سه مرحله در تصویر نمایش داده شده است.



تصویر ۱۰: سه مرتبه مشق بهیافت (ماخذ: نگارندگان)

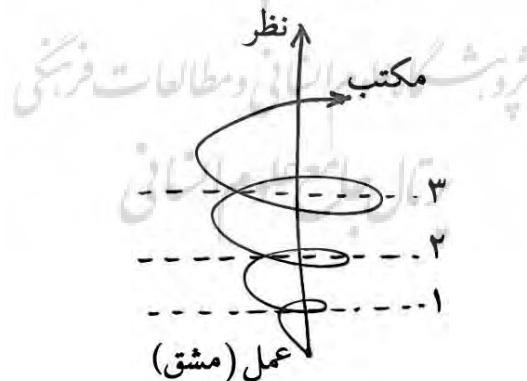
۱۰-۳ رابطه بین مشق و مکتب بهیافت

شکل‌گیری تفکر بهیافتی (مکتب) حاصل مشق بوده و از طرفی حکمت حاصل شده از آن مکتب در مرتبه بن‌یافت منجر به "یافت" می‌شود؛ لذا می‌توان رابطه تعامل دوسویه بین مشق و مکتب را به صورت زیر ترسیم نمود.



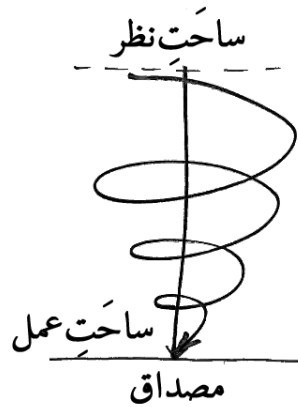
تصویر ۱۱: سطح اول رابطه بین مشق و مکتب (ماخذ: نگارندگان)

اما از طرفی می‌دانیم خاصیت مشق در تکرار است. به‌مانند یک خطاط وقتی سیاه-مشق انجام می‌دهد مدام یک حرف، کلمه یا جمله را می‌نویسد (مشق می‌کند) تا در خوشنویسی مهارت یابد؛ در مشق بهیافت هم تکرار بیشتر منجر به بن‌یافت عمیق‌تر و در نهایت دریافت جامع‌تر مکتب بهیافت خواهد شد؛ لذا می‌توان نمودار بالا را مانند تصویر بازطراحی نمود:



تصویر ۱۲: سطح دوم رابطه بین مشق و مکتب (ماخذ: نگارندگان)

در این تصویر، خط مارپیچ تعامل دوسویه بین مشق و مکتب بهیافت را نمایندگی می‌کند؛ عکس این جریان هم صادق است. حرکت از بالا به پایین حرکت از ساحت نظر به ساحت عمل.



تصویر ۱۳: حرکت از نظر به عمل (ماخذ: نگارندگان)

۱۱-۳ طرح منظومه مشق بهیافت

نوع ایده‌آل مکتب بهیافت زمانی محقق خواهد شد که این مکتب به شکل فلسفه پشتیبان هر عملی در آید تا آن عمل شکل بهیافتی پیدا کند. به این جهت، طرحی را برای کارگاه‌های مشق بهیافت با عنوان منظومه مشق پیشنهاد می‌دهیم که در آن با تکیه بر روش هم‌آموزی، افراد مهارت‌هایی را مشق می‌نمایند تا در نتیجه آن، شالوده مکتب بهیافت در نهاد آن‌ها شکل گیرد. منظومه مشق بهیافت منحصر به رشته معماری نبوده و قابل طرح برای دانشجویان و هنرآموزان رشته‌های دیگر و حتی مقاطع مختلف تحصیلی است.

در زمانه‌ای که موضوع تولید به شدت در نظامات آموزشی ایران مغفول واقع شده است تدوین طرح درس مشق بهیافت با محوریت تولیدی که نشأت گرفته از سنت صناعت ایرانی است ضروری بوده و می‌تواند رهایی از مصرف‌گرایی را به ارمغان آورد. در واقع امروزه در مراکز آموزشی کشور در تمام رده‌های سنی، تولید آموزش داده نمی‌شود. چرا که الگوهای آموزشی ما نیز وارداتی هستند و لزوماً سبک زندگی و الگوی مصرف غربی را رواج می‌دهند. این الگو از آنجا که از فرهنگ استعماری غرب برخاسته است، در پی وابسته کردن هرچه بیشتر مردم و به‌ویژه جوانان از طریق مصرف‌گرایی است. (ل. اولیاء، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۶)

در گذشته گاه^{۱۸} "زمانی" و "مکانی" فعل بهیافت در کار و تولید خانگی وجود داشته است و از این طریق اعضای بزرگ و کوچک خانواده آن را مشق می‌کرده‌اند. با وجود این که حالت ایده‌آل تحقق این فعل در همین "گاه" است، اما متأسفانه امروزه با تغییر شکل زندگی مردم و تغییر تلقی عمومی از خانه، تا حدود زیادی بهیافت از زندگی و اعوان آن رخت بر بسته است. موضوع ایجاد ظرفیت ظهور دوباره فعل بهیافت در خانه‌های امروزی به تفصیل در رساله دکتری توسط نگارندگان مورد توجه قرار گرفته است. زمینه دیگری که به منظور ایجاد ظرفی مناسب برای فعل بهیافت پیشنهاد می‌شود درسی است که با عنوان مشق بهیافت جهت ارائه در "مدرسه آرمانی" (صدیقیان، ۱۳۹۸) در این مقاله پیشنهاد می‌شود. بهیافت به معنای جامع آن که یک مکتب فکری است از طریق مشق بهیافت تبدیل به مهارتی می‌شود که پیش نیاز ورود به همه عرصه‌ها به مثابه یک نظریه پشتیبان خواهد بود. در نتیجه حتی تحقق موضوع «ترقی خانه به مکتب-خانه» در وهله اول محصول چنین مکتبی خواهد بود؛ کما اینکه خود زمینه‌ساز رشد و تکامل هرچه بیشتر این مکتب می‌شود. در ادامه، بر پایه تعاریفی که از مشق بهیافت در این مقاله گفته شد، به اجمال نکاتی در مورد چند و چون ارائه طرح درس مشق بهیافت ارائه می‌گردد.

بازتعریف منابع و مآخذ

مطالعه یکی از مهم‌ترین وسایل آموزش به شمار می‌رود و به دست‌آوردن توانایی لازم برای مطالعه صحیح و عمیق یکی از اهداف ضمنی آموزش است. معمولاً چیزی که در جو حاکم بر فضای آکادمیک امروزی ایران متداول است رجوع به منابع مکتوب مانند کتب و مقالات علمی است که البته خود یکی از مهم‌ترین گونه‌های منابع به حساب می‌آید. در کنار منابع مکتوب، برای درس مشق بهیافت رجوع به منابع دیگری که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود ضروری است.

• منابع مخلوق:

"فانظر الی الابل کیف خلقت"^{۱۹} در این آیه شتر نماینده جهان خلقت است. شتر خار بیابان را می‌خورد و در بیابان بار می‌برد! به همین سادگی می‌توان نتیجه رجوع به منابع مخلوق را در مکتب بهیافت مشاهده کرد. عالم و عالمیان همه نشانه‌اند و باهدف اشاره به حقیقت اصلی جهان خلقت، رب‌العالمین خلق شده‌اند. اعتقاد به این اصل، عالم خلقت را به منبع سرشاری از نشانه‌ها و تذکراهایی بدل می‌کند که در عمق آن خدای واحد نهفته است؛ لذا منابع مخلوق به‌عنوان غنی‌ترین و سرشارترین منابع مورد مطالعه اهل تفکر است. هر جا که بتوانیم چیزی یاد بگیریم آنجا دانشگاه است، و هر کس ولو زنبور عسل که بتواند به ما درس طراحی، ساختن و سازندگی بیاموزد، آن کس استاد است و لازمه تکریم، چرا که ما را به حضرت علیم می‌رساند. (اولیاء، ۱۳۹۵)

• منابع مصنوع:

در کنار دو گونه از منابعی که در بالا ذکر شد، منابع مصنوع یکی از مهم‌ترین و غنی‌ترین منابعی است که توسط انسان، اشرف مخلوقات، ایجاد شده است؛ لذا با مطالعه و تأمل در منابع مصنوع نیز می‌توان به کشف گوهر حقیقت نزدیک شد. معماری سنتی ایران که گروهی از آن با نام معماری بومی یاد می‌کنند سرشار از دانش بوده و فهم و مطالعه آن خود نیازمند سواد مخصوصی است. مهدی حجت (۱۳۹۸) معماری بومی را تجلی راستین زندگی انسان و حاصل یک تجربه تاریخی می‌داند. اولیاء (۲۰۱۸) معتقد است معماری سنتی و به طور کلی جریان سنت مرجع و منبعی حیاتی برای اصلاح رویکرد و تصحیح اشتباهات فلسفی بشر مدرن است. شهرهای ما بیش از هر چیز نیازمند مکتب‌های هوشمندانه‌ای هستند که بتوانند برای مدیریت چند و چون گسترش و توسعه شهرها به کار آیند. (Owlia و Owlia، ۲۰۱۸)

پرداختن به دانش بومی به‌عنوان نوعی از دانایی و دارایی و صیانت از آن به زمینه نیاز دارد. هنر مدیریت حاکم بر کشور، زمینه‌سازی و ایجاد جو مناسب برای توجه، تشخیص و احترام به انواع دانش به‌ویژه دانش‌های بومی است. بخش قابل‌توجهی در مصنوعات سنتی ذخیره شده که به‌عنوان منابع مصنوع قابل رجوع‌اند. (اولیاء، ۱۳۹۸) روش کروکی سه بعدی که امینی (۱۳۹۴) پیشنهاد می‌دهد به‌عنوان یکی از تمرین‌هایی که در درس مشق بهیافت انجام می‌شود، قابل تأمل است. این روش به این صورت انجام می‌شود که دانشجو در فضای معماری قرار گرفته و هم‌زمان با ساخت نمونه کوچکی از فضا به مطالعه مصنوع می‌پردازد:



تصویر ۱۴: تمرین کروکی سه‌بعدی (ماخذ: نگارندگان و فاطمه خدایی)

فلسفه تأسیس دانشکده هنر و معماری یزد در قلب این شهر تاریخی، استفاده از ظرفیت عظیم دانشگاهی است به وسعت شهر تاریخی یزد که در میان انواع بهره‌برداریهایی رایج، بهترین و برترین آن‌هاست. دوستان ما در دانشکده معماری به‌خوبی می‌دانند، دانشکده ما به چارچوب‌های رسمی محدود و محصور نمی‌شود به همین دلیل دانشجویان از پوسته‌های مرسوم فراتر رفته با حضور در محضر استادانی بی نام و نشان، راه‌روسم‌سازندگی و آبادانی را می‌آموزند. (اولیاء، ۱۳۹۵)

در همین راستا می‌توان به موزه‌ها اشاره کرد. به عنوان نمونه، موزه‌های مردم‌شناسی، منابع مصنوع گذشتگان (که شاید بتوان گفت دیگر قابلیت استفاده در جایگاه اصلی خود ندارند) را با هدف یادگیری و حتی "عبثت" در معرض دید انسان امروزی قرار می‌دهند. این نوع کاربست که خود نمونه‌ای از بهیافت است در رویکردهای مرمتی مورد توجه است. تبدیل بخشهایی از بافت‌های تاریخی یا قنات‌ها به موزه در زمره این نوع نگرش قرار می‌گیرد.

• منابع مسموع:

مهم‌تر از [منابع مصنوع] منابع مسموع‌اند. یعنی عالمان عامل انواع دانش‌های بومی نظیر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و اهالی گونه‌گون حَرفِ سنتی چون علی شیخ، بی‌بی اقدس و مانند آنان. رجوع به این‌گونه منابع شفاهی، گذشته از ضرورت، فوریت هم دارد؛ چرا که با اندکی تعلل و کوتاهی، بیم از دست رفتن هر منبع انسانی و معارف مندرج در سینه‌های آنان، همواره وجود دارد. (اولیاء، ۱۳۹۸)

• منابع مخروب:

هر چیزی که به هر علتی خراب شده است، می‌تواند به عنوان منبعی از اطلاعات واقع شود. به عنوان مثال، متخصصان پایشکی^{۲۰} با بررسی نوع فرسایش کف کفش می‌توانند به معایب راه رفتن فرد پی‌برده و بر مبنای آن تدابیر اصلاحی برای او تجویز نمایند (DiMaggio, ۲۰۱۱, ص. ۷۷). در مقدمه‌ای که محمدرضا اولیاء بر پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم مؤده بلوری‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان "رموز پایداری بناهای خشتی باقیمانده پس از زلزله سال ۱۳۸۲ بم" نوشته، این پایان‌نامه را جزو عالی‌ترین مصادیق بهیافت برشمرد، چراکه نگارنده این اثر، با رجوع به خرابه‌های بم به عنوان منابع مطالعاتی به استخراج محصولی از جنس تفکر و اندیشه پرداخته است.

• منابع مدفوع:

○ بهیافت و حمل اطلاعات

هر چیزی که دور ریخته (دفع) می‌شود توانایی خاصی در حمل اطلاعات دارد. به عبارتی می‌توان دورریزها را کپسول‌های حاوی اطلاعات خواند. لینچ (۱۳۸۷) در کتاب ائتلاف^{۲۱} خود از باستان‌شناسی پسماندها یاد می‌کند و آنها را انباشته از اطلاعات می‌داند. وی پسماند را به معنای گسترده آن که هدر دادن باشد در نظر گرفته و می‌نویسد: "میزان مصرف، ماهیت واقعی رژیم غذایی، هدر دادن مواد غذایی و تفاوت‌هایی که بین گروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد را می‌توان مشخص کرد. مصرف واقعی با آنچه در مصاحبه‌ها گزارش می‌شود به طور کامل متفاوت است. دانشجویانی که مصرف روزانه خود را کنترل و طبقه‌بندی می‌کنند از آنچه می‌خورند بیزار نمی‌شوند، بلکه نسبت به شیوه مصرف خود آگاه می‌شوند. در واقع نمی‌خواهند افراد دیگری زباله آنان را مطالعه کنند. اگر با آنچه دور می‌ریزیم بازتر عمل کنیم، ممکن است بیشتر درباره خودمان بیاموزیم." (لینچ، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱)

طبق این نظریه با شناخت پسماندها یا به طور کلی برون-داد^{۲۲} هر سیستمی می‌توان به مطالعه آن سیستم پرداخت. به عنوان مثال، در علم پزشکی مطالعه پسماند و دفع شده‌های بدن انسان به کشف بیماری و ریشه عدم تعادل بدن می‌انجامد. برای زباله شناس عصر جدید، فراسوی قبرستان خلد برین در یزد، آنجا دانشگاه است. تا شواهدی مجسم را از قومی مسرف بازشناسد و رخداد یک تمدن بدلی را هشدار دهد. (اولیاء، ۱۳۹۵)

○ بهیافت و آشنایی زدایی

در ادبیات، آرایه‌ای به نام آشنایی‌زدایی^{۲۳} وجود دارد که در آن شاعر یا نویسنده به جهت تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطب یا جلب توجه او به موضوعی خاص، از عنصری استفاده می‌کند که مخاطب انتظار مواجهه با آن را ندارد. رد پای این آرایه در معماری هم قابل پیگیری است. بهیافت و استفاده از شیء بهیافتی در معماری می‌تواند همین حس را در وجود مخاطب ایجاد نماید. در ادامه به ذکر مثالی از کاربرد این آرایه پرداخته می‌شود.

«گُه کوره» /go-he.kooreh/ اصطلاحی است که در مورد پسماند کوره‌های آجرپزی به کار می‌رود؛ سفالینه‌ای سنگ شده به رنگ زرد متمایل به سبز، با هندسه‌ای طبیعی (مشابه قندیل) که در معماری بومی از آن به عنوان عنصری دکوراتیو حتی برای تزئین سردر خانه‌ها استفاده می‌شده است. (تصویر)



تصویر ۱۵: دروازه قصابها، به طرف محله تل - سردر اولین خانه مقابل مسجد دروازه قصابها. برای تزئین این سردر از گه کوره استفاده شده است. (ماخذ: نگارندگان)

وجود جو غیررسمی در درس مشق بهیافت

توجه و تأمل به آیات مخلوق حضرت خالق و استفاده نظری از آنها به عنوان الگو، جنبه حیاتی دارد. به طور مشخص، سیر تحول یک دانه گندم، هنگامی که از دانه به سبزه و از سبزه به خوشه می‌انجامد، برای هر جوینده دانش ضروری است. به آنها (دانشجویان) گفتیم رشد شما هنگامی ممکن است که از پوسته یا جو Formal خارج شوید. در هم شکاندن پوسته، لازمه رشد، تعالی و بالندگی است. هرچند که نباید نادیده گرفت که پوسته محافظ مغز است، نه خود مغز. در جو دانشگاهی موجود ایران، پوسته، اصالت یافته و اهمیت مغز و مغزها به حاشیه رانده شده است. این یک فاجعه علمی است در تاریخ تمدن ما (اولیاء، ۱۳۹۵). صدیقیان (۱۳۹۸) این موضوع را در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به تفصیل مورد بررسی قرار داده و گونه‌ای "ساختار پنهان" در دانشکده معماری یزد را معرفی می‌نمایند که حاصل اتمسفر از قبل برنامه‌ریزی نشده است. این مقاله معتقد است رشد در این ساختار اتفاق می‌افتد.

دانشگاه معماری، بی حصار است، بی دروازه، بی نگهبان. دانشگاه معماری به واسطه نوع نگاه دانشجو افتتاح و یا خدای نکرده منحل می‌شود. این، نگرش جوینده دانش است که نه فقط فضا، بلکه جو دانشگاهی را نیز تعریف می‌کند. "جو" همان "سپهر" است و سپهر همان عالمی لایتنهای که کائنات یا Universe نامیده می‌شود. (اولیاء، ۱۳۹۵)

احیای الگوی بحث و هم‌آموزی در قالب کار گروهی

موضوع بحث گروهی و آموختن از تجارب سایر هم‌ردیفان یکی از دیگر از ایده‌های شکل‌دهی به درس مشق بهیافت است. روش بحث گروهی از جمله مؤثرترین روش‌های یادگیری "یادگیرنده محور" است. این روش ... عامل خلاقیت، کشف استعدادها، تقویت قدرت رهبری، تقویت توان استدلال و گفت‌وگو، جذابیت یادگیری و مانند آن به شمار می‌رود. (حسینخانی، ۱۳۸۶) در نتیجه پیشنهاد می‌شود دانشجویان در قالب گروه‌های هفت نفره سازماندهی شده و هر کدام علاوه بر وظایف عمومی عهده دار یک وظیفه اختصاصی به عنوان "نقش" هم بشوند. این نقش‌ها که در هفت جلسه متوالی بین اعضای گروه دست به دست می‌شود شامل موارد زیر است:

• سرگروه

همان طور که از نام آن برمی آید، سرگروه مسئولیت عملکرد گروه را دارد و سایر نقش‌ها را مدیریت می‌نماید. به علاوه مسئولیت ارائه گزارش‌ها برای سایر گروه‌ها برعهده این نقش خواهد بود.

• متن خوان

متن خوان مسئولیت چاپ و قرائت متن و همچنین جستجو در منابع مختلف را دارد.

• سازنده

در فعالیت‌هایی که ساخت مدنظر گروه باشد، سازنده با استفاده از ابزار و به کارگیری مصالح نقش اصلی را بازی می‌کند. به علاوه سازنده از سایر اعضا برای دستیاری استفاده خواهد کرد.

• رابط

رابط وظیفه ارتباط بین گروه با سایر گروه‌ها و همچنین مربی را برعهده دارد.

• ناظم

مهم‌ترین وظیفه ناظم برقراری نظم محیط کار و حفظ و نگهداری از وسایلی که برای کار گروه در اختیار وی قرار گرفته است. به علاوه مسئولیت تمیز کردن کارگاه بعد از استفاده برعهده ناظم است. در کنار وظایف نام‌برده شده، در حین ساخت به مراقبت فیزیکی از سازنده و هواداری او می‌پردازد.

• قصه نگار

قصه نگار یا مجری مسئول مستندسازی فعالیت روزانه خواهد بود. به علاوه در هنگام ارائه گزارش برای سایر گروه‌ها، به دستیاری سرگروه می‌پردازد.

• سؤال گر

همان طور که از عنوان این نقش برمی آید، همواره در جستجوی سؤال است. در درس مشق بهیافت طرح سؤال جزو مواردی است که بیشترین امتیاز را دارد.

۴- جمع بندی

در این مقاله به معرفی موضوع بهیافت در دو سطح پرداخته شد. نخست با بیان تمایز جهان بینی مادی و توحیدی و شرح مختصات مختلف این دو دستگاه فکری تفاوت فعل بهیافت با موارد مشابه نظیر بازیافت و آپسایکل برشمرده شد. سپس به بیان اصطلاحات و مفاهیم مترادف با بهیافت در سنت پرداخته و ویژگی‌های زمینه اقلیمی آن که برخاسته از اقلیم های سخت است معرفی شد. پس از تعریف فعل بهیافت تحت عنوان **کشف استعداد مکتوم نعمت ها و کار بست آن**، مشق بهیافت به صورت **انجام روشمند عمل بهیافت** ارائه گردیده و به مراتب آن از جمله "بن یافت"، "بهیافت" و "دریافت" اشاره شد. این مقاله با تعریف ویژگی‌هایی نظیر "قوه نامیه مشق بهیافت" وارد نحوه ارتباط آن با مکتب بهیافت شده و رابطه دوسویه این دو را معرفی نمود. این مقاله به عنوان دستاورد نهایی به ارائه مدل عملیاتی "منظومه مشق" به عنوان راهبرد اعتبارمندی و بازرویش مکتب بهیافت ختم شد.

۵- نتیجه گیری

در حال حاضر بیشتر مدل‌های آموزشی مبتنی بر یادگیری فعال و مشارکتی هستند. این روش‌ها یادگیرندگان را به چالش می‌کشد و به آن‌ها فرصت می‌دهد تا با استفاده از تجربه و تفکر انتقادی، مسائل را حل کنند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا مفاهیم را عمیقاً درک کنند و به یاد بگیرند. همچنین، این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا مهارت‌های حل مسئله و کار تیمی را تقویت کنند.

از منظر فلسفی، این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

در حالی که در گذشته بیشتر روش‌های آموزشی مبتنی بر سخنرانی و انتقال دانش از معلم به شاگرد بودند، اما امروزه به دلیل پیشرفت تکنولوژی و تغییرات اجتماعی، روش‌های نوینی برای تدریس و یادگیری در دسترس قرار گرفته است. یکی از این روش‌ها یادگیری مبتنی بر پروژه است که در آن یادگیرندگان در گروه‌ها با هم کار می‌کنند و یک مسئله یا موضوع را حل می‌کنند. این روش به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

از منظر فلسفی، این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

یکی از مزایای یادگیری مبتنی بر پروژه این است که به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

از منظر فلسفی، این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

استفاده از روش‌های نوین آموزشی، به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

از منظر فلسفی، این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند. این روش‌ها به یادگیرندگان کمک می‌کند تا به دنبال حقیقت باشند و به تفکر انتقادی بپردازند.

"BEAUTIFUL" به معنی زیاده‌گرا، بزرگوار، با شکوه، ادا کردن است. THE SMALL, THE GREAT! به معنی کوچک، بزرگوار، با شکوه، ادا کردن است.

توجه: شماره کتاب در دسترس با شماره کتابخانه بایگ آرشیو:

قدردانی

بازنویسی جمع بندی و نتیجه گیری این مقاله مقارن شد با درگذشت یکی از منابع شفاهی آن، بانو عصمت بیگم نجفی، معروف به بی بی اقدس (۱۳۹۹-۱۳۰۴)، عالمه ای عامله به علم، فن و هنر «عمل آوردن»؛ او که خانه را مکتب خانه نمود. رد پای آموزه های عملی آن عزیز، در نظریه پردازی های صورت گرفته ساری و جاری است. اگر ثوابی بر این نوشته مترتب است اهدا می کنیم به روح آن مرحومه؛ به امید آنکه درک مادران راه، تا زنده اند به فرزندان شان مرحمت فرماید و آنها را موفق بدارد تا از طریق ثبت و انتشار آموزه های آن ها، به هر طریق ممکن، دیگران را نیز از آموختن در محضر مادران برخوردار نمایند.

محمد رضا اولیاء محمد رضا امینی

نوزدهم بهمن ماه ۱۳۹۹

پی نوشت

Upcycle 1

2 در گویش عامیانه یزدی- جستجوی اصطلاحات مترادف با آن (ترجیحا با ذکر مصادیق) در گویش های محلی می تواند به عنوان یکی از شاخص های فرهنگ اسلامی و تمدن ایرانی مورد توجه علاقه مندان قرار گیرد.

Project ۱

Process ۲

۳ اصطلاح دورریختنی ها برگرفته از مجموعه ای کتاب از دکتر عیسی حجت تحت عنوان "دوباره نگاه کن" است. نخستین زیرمجموعه ای آن دوره ای سه جلدی با عنوان "دور ریختنی ها" (۱۳۶۴) است. در این سلسله کتابها که برای گروه سنی کودکان و نوجوانان نوشته شده، طرز ساختن اسباب بازی هایی ساده به وسیله دیگرام هایی که توسط کودکان به سادگی قابل درک است آموزش داده شده است. این اسباب بازی ها با استفاده از مواد و اشیاء مورد مصرف روزمره خانگی مانند انواع قوطی های پلاستیکی که دوره مصرف آن به پایان رسیده است، ساخته می شوند.

۴ این تفکر به ویژه در اقلیم های سخت مانند منطقه ی کویر که با چالش محدودیت منابع مواجه بوده اند بیش از سایر اقلیم ها شکوفا شده است. به همین علت نمی توان انتظار داشت در کشورهای اروپایی بتوان این رویکردها را در قالب یک سنت جست. اگرچه در دوران جدید به دلایل مختلف مانند بحران انرژی و رقابت های اقتصادی، توجه به مصرف بهینه و به حداقل رساندن اتلاف به صورت یک مد درآمد است.

۵ ماهیت این واژه که با ترجمه "بازیافت" شناخته می شود، از طرف محققان زیادی مورد چالش واقع شده است. گروهی بر این عقیده اند که اصطلاح recycle یا معادل فارسی آن معرف فعلی که آن را نمایندگی می نماید نبوده و بهتر است این فعل Downcycle یا کهبافت نامیده شود. دلیل این امر از طرفی صرف انرژی مضاعف در این فرایند؛ و از طرف دیگر قرار گیری محصول این فعل در چرخه ای با سطح نازل تر از مواد اولیه است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک (امینی، ۱۳۹۲)

۶ به رسم امانت داری، این درخت را "درخت ساکت" می نامیم که برگرفته از نام مبدع این بیان استعاره (آقای مهندس علی ساکت یزدی) است.

۷ همانطور که در بخش ۰ (۲-۳) انسان سنتی در برابر انسان مدرن ذکر شد، اصطلاح گناه جزء دایره لغاتی است که در جهان بینی توحیدی تعریف شده و به معنای خطاکاری و عصیان از فرمان پروردگار است.

۸ درباره واژه احیا چنین آمده است: «احیاء در اصل عربی و به معنی کوششی است برای باز گرداندن حیات به موجودی که زندگی اش به خطر افتاده با خاتمه یافته است، (اولیا، ۱۳۸۹: ۷۱) لازمه باز گرداندن حیات تازه به ابنیه زنده تاریخی به موارد زیر تعلق می‌گیرد: تثبیت، تداوم، ارتقای کاربری با تغییر کاربری توأم با مداخله، (عباسی و میرجانی و مدرس، ۱۳۹۴: ۵۹) اصطلاحاتی همچون بازرویش، باز کاربری، توانبخشی به عنوان معادل‌هایی برای احیا آمده اند. (خاکی قصر، ۱۳۹۷)

Misuse ۹

۱۰ بهشتی (۱۳۹۱) در سخنرانی خود در مورد موزه‌ها به این نکته اشاره می‌کند که هر چیزی ممکن است در نظر افراد مختلف یا در دوره‌های مختلف به‌دردخور یا به درد نخور باشد. تفاوتی که در میان است سطح "درد" برای افراد مختلف است. از دیدگاه بهشتی در دنیای امروزی درد ما فقط بعد کارکردی دارد. جهان‌بینی مصرفی ما را به سمتی سوق می‌دهد که هر شیء را تنها بر اساس کارکرد از پیش تعیین شده آن درک می‌شود و زمانی که این کارکرد تمام شد، آن شیء را به‌درد نخور نامیده می‌شود. اما به نظر بهشتی در دوره سنت درد مردم با امروز متفاوت بوده است. وی معتقد است موزه‌ها اشیائی را در معرض دید ما قرار می‌دهند که با مشاهده‌ی آن می‌توان سطح درد پیشینیانمان را دید و سعی در ارتقای درد خود داشت. پر واضح است که در این صورت جهان‌بینی‌مان نسبت به همه اشیاء متفاوت خواهد شد. ضرب المثلی محلی می‌گوید "هیچ دردی بدتر از درد بی‌دردی نیست"

Global Warming ۱۱

۱۲ اولیا (۱۳۸۱) در رساله خود با عنوان شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران، فعل "حروم کردن" را معرفی می‌نماید که اصطلاحی رایج در بین معماران و استادکاران سنتی است. به عنوان مثال استادکار به شاگرد خود که بیش از حد گچ زنده ساخته است با تشر و عصبانیت می‌گوید "حروم کردی!"

۱۳ چاقوسازی در مهریز یکی از صنایع دستی این شهر است. دسته‌های چاقو معمولاً از چوب زردآلو و شاخ گوسفند ساخته می‌شوند؛ که هم اکنون رو به افول است.

۱۴ موضوع "استخدام ماده برای امر معنوی" که به تعبیر اولیاء (۱۳۹۹) کیمیاگری برتر است. عادت ایرانیان به احترام گذاشتن به نان و برداشتن تکه نان از مسیر رفت و آمد و حفظ آن را می‌توان نمونه‌ای از این طرز تفکر دانست.

۱۵ شاید این موضوع در نگاه اول به نظر پیش پا افتاده یا بدیهی به نظر برسد؛ اما توجه به ساخت تزئینات مشابه با برش لیزری و CNC و مقایسه آن با روش سنتی و تیشه ای معرق کاشی، حاکی از عدم استفاده از این قطعات کوچک در روش های جدید و در نتیجه دورریز بسیار زیادتر آن است. تنظیم مجدد دستگاه برای قطعات کوچک باقی مانده از برش اولیه بسیار زمان بر بوده و اصطلاحاً به صرفه نیست!

۱۶ در ریاضیات پیشرفته دانشی وجود دارد به نام توپولوژی که در آن به ریخت شناسی خم ها و مسیرها و سطوح پیچیده پرداخته می‌شود. یکی از قواعد کلی برای کلاس بندی سطوح مثلث بندی آن است. بدان معنا که هر سطح خمیده ای را می‌توان با مجموعه ای از مثلث ها پوشش داد. به نظر می‌رسد این قبیل مشق ها باعث شده بشر مرزهای ذهنی خود را درنوردیده و دانش پیشرفته تری را خلق و یا الگویی را برای مطالعه علت بنیادین امکان پوشش دهی سقف توسط این ساختارهای نامنظم را کشف کند. برای اطلاعات بیشتر رک (Edelsbrunner et al., ۲۰۰۱)

۱۷ به تدریج با قوت گرفتن کسب و کار شترداران بزرگ منطقه، به خریداری پشم شترها [که ابتدای کالایی ضایعاتی به حساب می‌آمده] اقدام می‌کنند تا با پارچه‌بافی در فصولی که کار کشاورزی وجود ندارد، بتوانند از عهده مخارج خود بر آیند (کاویان و غلامی، ۱۳۹۶)

۱۸ پسوند گاه در فارسی به صورت همزمان درمورد مکان و زمان به‌کار می‌رود. عمل بهیافت به مکان و زمان مخصوص خود نیاز دارد.

۱۹ آیه ۱۷ سوره غاشیه

Podiatry ۲۰

Wasting away ۲۱

Output ۲۲

Defamiliarization ۲۳

- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۷۹). حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.
- المعی، ارسلان و طایفه، احسان. (۱۳۹۹). بررسی مولفه های هنر بهیافت زبانه ها در طراحی داخلی فضای نمایشگاهی (مطالعه‌ی موردی: فضا نمایش صنعت خودروی ایران) اولین کنفرانس محیط زیست، عمران، معماری و شهرسازی.
- امینی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بهیافت در معماری داخلی. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه تهران، تهران.
- _____ (۱۳۹۴). کروکی سه بعدی؛ تمرینی برای مطالعه‌ی منابع مصنوع. گاهنامه علمی ترویجی تالار.
- اولیاء، لیلی. (۱۳۹۴). طرح مرمت محله خواجه خضریزد (با رویکرد ایجاد مدیریت تولید بومی). پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مرمت ابنیه و بافتهای تاریخی. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- اولیاء، محمدرضا. (۱۳۸۱). شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران. رساله دکتری رشته معماری. دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
- _____ (۱۳۹۴). پیشنهاد تاسیس پایگاه اطلاع رسانی بهیافت/ کشکول بهیافت. نامقاله. یزد.
- _____ (۱۳۹۵). دانشگاه کجاست. سخنرانی ها و چکیده مقالات اولین همایش ملی معماری فضاهای دانشگاهی، ۶۰-۶۴.
- _____ (۱۳۹۸). دانش بومی، دانشگاه غیر بومی. معماری بومی ایکوموس ایران، ۱۱-۱۷.
- _____ (۱۳۹۹) کیمیا برتر. سخنرانی در مراسم تونمایی از فیلم شکرافشان؛ دیماه ۱۳۹۹ قابل دسترس از طریق آدرس <https://www.aparat.com/v/Zt9Ax>.
- اولیاء، محمدرضا. و اولیاء، آمنه. (۱۳۹۸). درآمدی بر چینه شناسی. معماری بومی ایکوموس ایران، ۱(۱).
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. (۱۳۶۰). سیری در شناخت هنر معماری ایران. هنر، ۱(۱)، ۱۳۸-۱۵۹.
- بلوری‌زاده، مؤده. (۱۳۹۴). رموز پایداری بناهای خشتی باقیمانده پس از زلزله سال ۱۳۸۲ بم، با رویکرد روش‌شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معماری. دانشگاه یزد.
- بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). دیدگاه: زیبایی و کاربرد در هنر سنتی. خیال، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۴۵.
- _____ (۱۳۸۹). هویت و مهندسی ایرانی. آیین، ۲۸-۲۹(۲)، ۵-۱۵.
- _____ (۱۳۹۰). از خلع ماده تا درک ملکوت: ظهور باطن به دست معماران سنتی. اطلاعات حکمت و معرفت، ۶۹(۶)، ۹-۱۲.
- _____ (۱۳۹۱). موزه ها. همایش ملی موزه ها، تهران.
- _____ (۱۳۹۸). چینه چیست؟. معماری بومی ایکوموس ایران(۴)، ۴-۵.
- _____ (۱۳۹۹). بهره‌وری امروز ایران با تدوین نظرات ۱۸ نفر از فرهیختگان و اندیشمندان در حوزه اقتصاد، مدیریت و بهره‌وری با بهره‌گیری از دهمین همایش ملی بهره‌وری. تهران: انجمن بهره‌وری ایران.
- بهشتی، سیدمحمد و نجارنجفی، الناز. (۱۳۹۶). تشنگی ثروت ما است! اندیشه ایرانشهر، ۲۴-۲۵، ۸-۱۵.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۳). سبک‌شناسی معماری ایرانی. ویرایش غلامحسین معماریان. تهران: معمار.
- حجت، عیسی. (۱۳۶۴). دورریختنی‌ها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری). هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۴(۱)، ۵۵-۶۲.

- _____ (۱۳۹۰). مشق معماری. تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۴). سخنرانی / تشیع و تأثیر آن بر هنر. شیعه شناسی، ۱۱(۳)، ۱۸۹-۲۱۲.
- _____ (۱۳۹۲). آموزش فرهنگ به مثابه تذکر تاریخی؛ درباره‌ی کارگروه فهم معماری ایران. سوره اندیشه، ۷۰-۷۱(۰)، ۳۳۲-۳۳۳.
- _____ (۱۳۹۸). فهم معماری بومی. معماری بومی ایکوموس ایران(۱)، ۸-۱۱.
- حسینخانی، هادی. (۱۳۸۶). یادگیری به روش بحث گروهی و شیوه کاربرد آن در حوزه های علمیه و آموزش عالی. معرفت، ۱۱۹(۱۶)، ۳۳-۴۴.
- حیدری، حسین و جعفرزاده‌پور، فروزنده. (۱۳۹۲). بررسی فرهنگ مصرف و سبک زندگی در خانواده های ایرانی؛ آسیب شناسی و راهبردها. مطالعات سبک زندگی، ۵-۶(۲)، ۸۵-۱۱۰.
- حیدری، علی اکبر و قاسمیان، عیسی. (۱۳۹۸). تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه موردی: خانه مرتاض در یزد) مجله پژوهش های معماری اسلامی، ۸۷-۱۰۶.
- خاکزند، مهدی، و کیانی، کیوان. (۱۳۹۶). توجه به مدیریت آبهای سطحی در بهیافت لندفیل برمشور. چهارمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی «پایداری و تاب آوری از آرمان تا واقعیت».
- خاکی‌قصر، آزاده. (۱۳۹۷). برنامه فضایی خانه‌های سنتی یزد در نسبت با سکونت امروزی. شهر و معماری بومی، ۸(۶)، ۲۳-۴۶.
- راستی، فاطمه و نیرومند شیشوان، مهدیه. (۱۳۹۵). بهیافت: راهکاری نوین در راستای پایداری. دومین کنگره بین المللی علوم زمین و توسعه شهری.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۴). از تاریخ بیاموزیم. کیهان فرهنگی، ۲۰(۲)، ۱۵-۱۹.
- صدیقیان، آرمان. (۱۳۹۸). مدرسه آرمانی. (پایان نامه کارشناسی ارشد معماری). دانشگاه یزد، یزد.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۳). کبوترخانه‌های ایران، درهم آمیزی زیبایی و کارایی. صفه، ۱۳-۱۴(۴)، ۶۶-۷۷.
- کاویان، مجتبی و غلامی، غلامحسین. (۱۳۹۶). کارخانه یا کار و خانه؛ بررسی مفهوم کار و تولید در شکل گیری خانه های تاریخی ایرانی در بشرویه. شهر و معماری بومی، ۵(۵)، ۱۰۱-۱۱۸.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). اتلاف. ترجمه سیدحسین بحرینی. ویرایش مایکل ساوورث. تهران: دانشگاه تهران.
- منصور، سیدامیر و سیده، نفیسه. (۱۳۹۳). بهیافت منظر - رویکردی نو در احیای نواحی دفن زیاله. فصلنامه منظر. دوره ۶. شماره ۲۷.
- مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی. (۱۳۹۷). شاخص سازی قناعت در معماری. مجله پژوهش های معماری اسلامی، ۱۳۷-۱۵۴.
- Braungart, Michel., McDonough, William., & Bollinger, Andrew. (2006). Cradle-to-cradle design: creating healthy emissions e a strategy for eco-effective product and system design. *Journal of Cleaner Production*.
- DiMaggio, John. A., & Wesley, Vernon. (2011). *Forensic Podiatry: Principles and Methods*: Humana Press.
- Edelsbrunner, H., Press, C. U., Ablowitz, M. J., Ciarlet, P. G., Iserles, A., Davis, S. H., Olver, P. J. (2001). *Geometry and Topology for Mesh Generation*: Cambridge University Press.
- Johnson, Bea. (2013). *Zero Waste Home: The Ultimate Guide to Simplifying Your Life by Reducing Your Waste*: Scribner.
- Lehmann, Steffen., & Crocker, Robert. (2012). *Designing for zero waste : consumption, technologies and the built environment*. London ; New York: EarthScan.

- Owlia, Mohammad Reza., & Owlia, Farzaneh. (2018, 2018/9/16). *Imposed Modern Misdevelopment vs. Composed Traditional ABADI*. Paper presented at the International workshop on water and city hydraulic systems and urban structures Yazd2018.
- Peterson, Chris. (2011). *Building with secondhand stuff : how to re-claim, re-vamp, re-purpose & re-use salvaged & leftover building materials*. Minneapolis, Minnesota: Creative Publishing International.
- Pilz, Reiner. (1994). salvo news.

• منابع شفاهی (مسموع)

- ساکت یزدی، علی، کارشناسی ارشد مرمت ابنیه تاریخی، یزد
- صادقیان، حسن، استادکار بنا، یزد
- نجفی، عصمت بیگم، معروف به بی بی اقدس (۱۳۹۹-۱۳۰۴)

• منابع مصنوع

- آجرفرش های کف صحن مسجد ملا اسماعیل (محل برگزاری نماز جمعه یزد)
- ایوان خانه های بشرویه که در آن آثاری از کارگاه برک یافت می شود
- بیابان های پشت خلد برین در شهر یزد که تا این تاریخ در آن تپه های زباله شهر یزد تلنبار می شود
- پوکه های قنات در محله گازرگاه شهر یزد
- درب خانه ای در روستای کندلوس که از دو عدد شاخ به عنوان دستگیره استفاده کرده است
- دسته چاقوهای ساخته شده در مهریز که با شاخ گوسفند تهیه می شود
- سردر اولین خانه مقابل مسجد دروازه قصابها، دروازه قصابها، به طرف محله تل
- سقف خانه ی سیگاری های یزد
- کاشی کاری معرق مسجد جامع یزد
- کبوترخانه های ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

Original Research Article

Behyaft; From Practice to School of Thought

Mohammad Reza Amini¹, Mohammad Reza Owlia*²

1- PhD student of Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

2- Persian Architecture Terminologist, Yazd University, Yazd, Iran.

Abstract

Referring to the act of discovering the concealed potentials of the blessings, “Behyaft” as a verb, primarily differs from similar cases such as recycling and upcycling; due to the “monotheistic intellectual system” in which it is defined. Behyaft can be considered as synonymous to authentic terms such as “Amal Avordan” (practice), “Kimia” (alchemy), and the act of altering restriction into opportunity, which are the most widely applied terms in civilizations located at environmentally deprived climates such as the cities established at the edge of the deserts of Iran. Through the “Behyaft” (practice) of Behyaft, by employing obsolete materials, higher-value products are created. In this sense, any action that leads to the elevation of the value of things could be considered as a type of Behyaft; and can be a basis for redefining the concept of architecture with its original definition as “Abadani”. At the second step, Behyaft as a school of thought is one of the leading concepts in the Iranian architecture civilization, and it can be recognized as the invisible root for the emergence of many visible epitomes of this civilization. This article believes that the Behyaft as a school of thought can evolve any thought or action by acting as a supporting philosophy. This article is considered as a descriptive-analytical research that relies on the logical reasoning method, based on the initial definitions of the concept of Behyaft, and referring to library resources and field studies, leads to presenting an operational model. This article introduces the Mashgh-e-Behyaft as a way to revitalize the Behyaft school of thought, which is defined as the implementation of the practice of Behyaft in a disciplined method, consisting of its three stages: Bonyaft, Behyaft, and Daryaft. There is a reciprocal interaction between the Mashgh and the school of thought, which leads to the progression of the theoretical fields of Behyaft as a school of thought due to the “Mashgh” of the Mashgh. Finally, this article proposes a system, designed for Mashgh-e-Behyaft workshops.

Key Words: Productivity, Behyaft School of Thought, Amal Avordan, Mashgh-e-Behyaft, Education